



گزارش های دوره ای

چگونه سرمایه گذاری باعث رشد اقتصادی می شود؟

اردیبهشت ۱۴۰۴

هلدینگ صنایع نانوتک آینده

فهرست مطالب

۳	 سرمایه‌گذاری فیزیکی چیست؟
۴	 تولید ناخالص داخلی (GDP)
۴	 سرمایه‌گذاری در مقابل رشد
۵	 مقایسه سرمایه مالی و انسانی با کالاهای سرمایه‌ای
۵	 تأثیر هزینه‌کرد مصرف‌کننده بر GDP
۵	 درک رشد اقتصادی
۵	 مراحل رشد اقتصادی
۶	 چگونه رشد اقتصادی را اندازه‌گیری کنیم؟
۷	 چگونه رشد اقتصادی ایجاد کنیم؟
۸	 چرا رشد اقتصادی اهمیت دارد؟
۸	 تأثیر مالیات بر رشد اقتصادی
۹	 جمع بندی

چگونه سرمایه‌گذاری باعث رشد اقتصادی می‌شود؟

رشد اقتصادی، که با تولید ناخالص داخلی (GDP) سنجیده می‌شود، با افزایش تولید کالاها و خدمات بیشتر می‌گردد. هزینه‌کرد مصرف‌کنندگان، تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در سرمایه، بر جریان عرضه و تقاضا تأثیر می‌گذارد. اگر مصرف‌کنندگان خانه‌های بیشتری بخرند، درآمد بازار ساخت‌وساز و پیمانکاران افزایش می‌یابد. زمانی که شرکت‌ها محصولات و خدمات خود را از طریق سرمایه‌گذاری گسترش می‌دهند، ممکن است کارکنان بیشتری استخدام کرده و حقوق یا دستمزدها را افزایش دهند.

نکات کلیدی

- سرمایه‌گذاری "سرمایه‌ای یا فیزیکی" شامل املاک و مستغلات، کارخانه‌های تولیدی، ماشین‌آلات، رایانه‌ها، وسایل نقلیه و تجهیزات تولید است.
- رشد اقتصادی را می‌توان با تولید ناخالص داخلی (GDP) سنجید؛ یعنی ارزش پولی یا بازار کل کالاها و خدمات نهایی.
- رشد اقتصادی عمدتاً توسط هزینه‌کرد مصرف‌کننده و سرمایه‌گذاری سرمایه‌ای به ثمر می‌رسد.

سرمایه‌گذاری فیزیکی چیست؟

سرمایه‌گذاری فیزیکی (Capital Investment) زمانی رخ می‌دهد که کسب‌وکارها کالاهای سرمایه‌ای مانند ساختمان‌ها، ماشین‌آلات، تجهیزات، وسایل نقلیه و ابزارها را خریداری می‌کنند. این دارایی‌های ملموس برای تولید کالا یا خدمات به کار می‌روند. سرمایه‌گذاری در کالاهای سرمایه‌ای ابزاری برای پیشبرد اهداف تجاری یک شرکت است.

برای اینکه یک کسب‌وکار بتواند ساختار سرمایه‌ای خود را افزایش یا بهبود دهد، باید منابع مالی کافی داشته باشد. معمولاً کسب‌وکارها این منابع را با انتشار بدهی (اوراق قرضه) یا سهام (انتشار سهام) تأمین می‌کنند. سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت هستند؛ آن‌ها به شرکت‌ها اجازه می‌دهند تا با افزودن یا بهبود امکانات تولید و افزایش بهره‌وری عملیاتی، سال‌ها درآمدزایی کنند.

سرمایه‌گذاری "سرمایه‌ای" امکان تحقیق و توسعه را فراهم می‌کند که نخستین گام برای عرضه محصولات و خدمات جدید به بازار است. افزودن یا بهبود کالاهای سرمایه‌ای، بهره‌وری نیروی کار را با کارآمدتر کردن شرکت‌ها افزایش می‌دهد. تجهیزات یا کارخانه‌های جدیدتر منجر به تولید محصولات بیشتر با سرعت بالاتر می‌شوند. این افزایش بهره‌وری به رشد اقتصادی کشور و افزایش GDP منجر می‌شود.

مهم

در سال ۲۰۲۳، طبق مطالعه‌ای از بانک فدرال رزرو ریچموند، حدود ۴۰٪ شرکت‌های مورد بررسی گزارش دادند که نرخ‌های

بهره بالا باعث کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای آن‌ها شده است؛ این رقم نسبت به ۳۰٪ شرکت‌ها در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است.

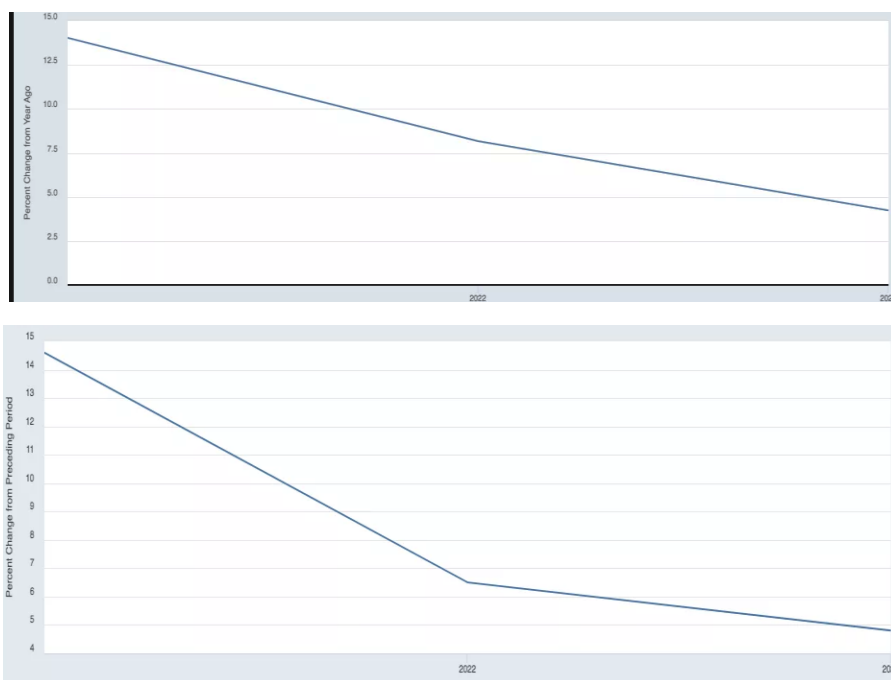
تولید ناخالص داخلی (GDP)

تولید ناخالص داخلی، ارزش پولی یا بازار کل کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک کشور طی یک دوره معین است. دولت‌ها هر فصل و هر سال برآورد سالانه GDP را منتشر می‌کنند. GDP یک کارنامه جامع برای سلامت و رشد اقتصادی یک اقتصاد است.

بدون سرمایه‌گذاری سرمایه‌ای، نوآوری ممکن نیست. کشف منابع طبیعی جدید یا اختراع فناوری‌های نوین، مانند اینترنت در دهه ۱۹۸۰، ممکن است دوره‌هایی از رشد اقتصادی بالا را به همراه داشته باشد. در اوایل دهه ۲۰۰۰، ذخایر نفت شیل در آمریکا کشف شد و این کشور را به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت خام جهان تبدیل کرد. سرمایه‌گذاری در فناوری منجر به پیدایش اینترنت شد که مسئول ۲۱٪ رشد GDP بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ در ایالات متحده بوده است.

سرمایه‌گذاری در مقابل رشد

تصاویر زیر درصد سرمایه‌گذاری سالانه کسب‌وکارهای داخلی را در مقایسه با رشد GDP از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳، طبق اداره تحلیل اقتصادی (BEA) نشان می‌دهد. طبق نمودار، سرمایه‌گذاری کسب‌وکار در آمریکا از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ به میزان ۵٫۸٪ و از ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ به میزان ۴٫۰٪ کاهش یافته است.



مقایسه سرمایه مالی و انسانی با کالاهای سرمایه‌ای

کالاهای سرمایه‌ای با سرمایه مالی یا سرمایه انسانی یکسان نیستند. سرمایه مالی همان منابع مالی لازم برای حفظ و رشد کسب‌وکار است که شرکت با انتشار بدهی (اوراق قرضه) یا سهام (سهام شرکت) به دست می‌آورد. سرمایه انسانی به نیروی کار انسانی اشاره دارد. پیش از سرمایه‌گذاری در کالاهای سرمایه‌ای، شرکت باید منابع و زیرساخت لازم برای تأمین سرمایه مالی را داشته باشد. سرمایه انسانی برای طراحی، ساخت و بهره‌برداری از کالاهای سرمایه‌ای به کار می‌رود.

تأثیر هزینه کرد مصرف‌کننده بر GDP

پس از تولید کالاهای و خدمات توسط کسب‌وکارها، هزینه‌کرد مصرف‌کننده (یا هزینه‌های مصرف شخصی)، معیاری برای سنجش هزینه‌کرد مردم در کالاهای و خدمات است. طبق اداره تحلیل اقتصادی (BEA)، هزینه‌های مصرف شخصی حدود دو سوم هزینه‌های داخلی (در ایالات متحده) را تشکیل می‌دهد و محرک مهمی برای GDP است.

کدام صنایع هزینه سرمایه‌ای بالایی دارند؟

صنایعی مانند تولید خودرو، انرژی، حمل‌ونقل و نیمه‌هادی‌ها هزینه سرمایه‌ای بالایی دارند.

درک رشد اقتصادی

به ساده‌ترین بیان، رشد اقتصادی به معنای افزایش تولید کل در یک اقتصاد است که معمولاً به صورت افزایش درآمد ملی ظاهر می‌شود. اغلب، اما نه لزوماً، افزایش تولید کل با افزایش بهره‌وری متوسط نهایی همراه است. این امر منجر به افزایش درآمدها شده و مصرف‌کنندگان را به خرج کردن بیشتر تشویق می‌کند و کیفیت مادی زندگی و استاندارد زندگی را بالا می‌برد. در اقتصاد، رشد معمولاً به عنوان تابعی از سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، نیروی کار و فناوری مدل‌سازی می‌شود. افزایش کمیت یا کیفیت جمعیت در سن کار، ابزارهایی که در اختیار دارند و روش‌هایی که برای ترکیب نیروی کار، سرمایه و مواد خام در اختیار دارند، منجر به افزایش تولید اقتصادی می‌شود.

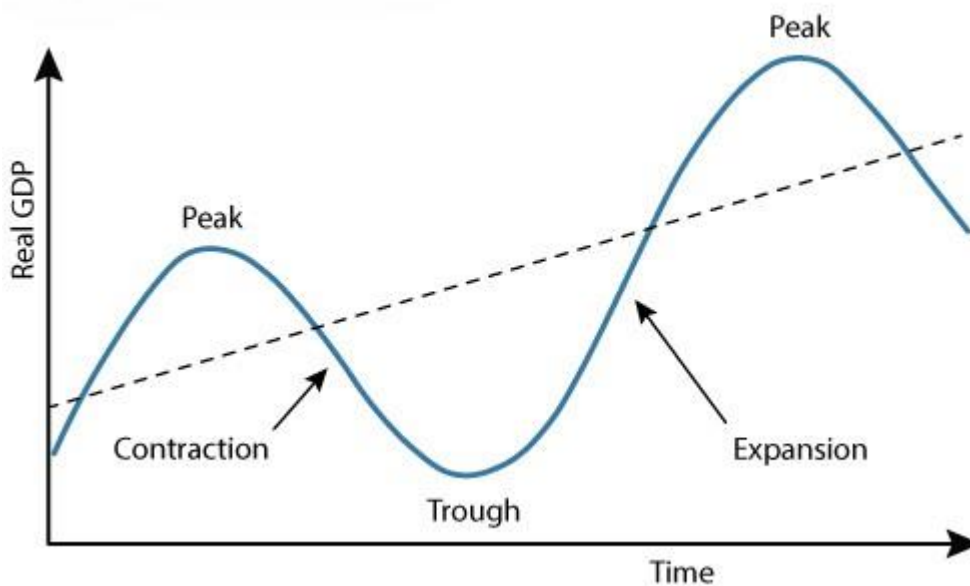
مراحل رشد اقتصادی

اقتصاد از دوره‌های مختلف فعالیت عبور می‌کند که به آن چرخه کسب‌وکار (business cycle) گفته می‌شود و شامل چهار مرحله است:

- گسترش (Expansion): در این مرحله، اشتغال، درآمد، تولید صنعتی و فروش افزایش می‌یابد و GDP واقعی رشد می‌کند.
- اوج (Peak): زمانی است که گسترش اقتصادی به بالاترین حد خود می‌رسد؛ نقطه عطفی است.
- انقباض (Contraction): در این مرحله، عناصر گسترش شروع به کاهش می‌کنند. اگر کاهش قابل توجهی در فعالیت اقتصادی سراسر اقتصاد رخ دهد، رکود (recession) به وجود می‌آید.

- **حزبض (Trough):** زمانی است که انقباض اقتصادی به پایین ترین حد خود می رسد.

یک چرخه کسب و کار از اوج تا اوج یا حزبض تا حزبض تاریخ گذاری می شود. این چرخه ها معمولاً طول یکسانی ندارند و ممکن است در دوره گسترش، انقباض رخ دهد و بالعکس.



از جنگ جهانی دوم تاکنون، اقتصاد ایالات متحده دوره های متعددی از گسترش و انقباض داشته است. از ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۹، متوسط دوره گسترش حدود ۶۵ ماه و متوسط دوره انقباض فقط ۱۱ ماه بوده است. با این حال، رکود بزرگ از دسامبر ۲۰۰۷ تا ژوئن ۲۰۰۹، ۱۸ ماه طول کشید. پس از آن، طولانی ترین دوره گسترش ثبت شده، به مدت ۱۲۸ ماه، تا سال ۲۰۲۰ و آغاز همه گیری کووید-۱۹ ادامه یافت.

نکته

دولت ها اغلب برای تحریک رشد اقتصادی نرخ بهره را کاهش می دهند تا وام گرفتن ارزان تر شود. اما این وضعیت نمی تواند برای همیشه ادامه داشته باشد. سرانجام، همان طور که در سال های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ رخ داد، برای مقابله با تورم و جلوگیری از داغ شدن بیش از حد اقتصاد، نرخ ها باید افزایش یابد.

چگونه رشد اقتصادی را اندازه گیری کنیم؟

رایج ترین معیار سنجش رشد اقتصادی، GDP واقعی است. این ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده در یک اقتصاد است که اثرات تورم از آن حذف شده است. سه روش مختلف برای بررسی GDP واقعی وجود دارد:

- **رشد فصلی با نرخ سالانه:** تغییر GDP از یک فصل به فصل دیگر را بررسی می کند که سپس به نرخ سالانه تبدیل می شود. مثلاً اگر تغییر یک فصل ۰,۳٪ باشد، نرخ سالانه ۱,۲٪ خواهد بود.

- نرخ رشد چهار فصل یا سال به سال GDP: یک فصل را در دو سال متوالی به طور درصدی مقایسه می‌کند. این روش اغلب برای جبران اثرات فصلی توسط کسب‌وکارها استفاده می‌شود.
- میانگین نرخ رشد سالانه: میانگین تغییرات هر چهار فصل است. مثلاً اگر در یک سال نرخ‌های چهار فصل ۲٪، ۳٪، ۱٫۵٪ و ۱٪ باشد، میانگین نرخ رشد سالانه ۱٫۸۷۵٪ خواهد بود.

نکته

GDP، محبوب‌ترین روش اندازه‌گیری رشد اقتصادی، با جمع کردن کل پول خرج شده توسط مصرف‌کنندگان، کسب‌وکارها و دولت در یک دوره معین محاسبه می‌شود. فرمول آن به این صورت است:

$$GDP = \text{هزینه کرد مصرف‌کننده} + \text{سرمایه‌گذاری کسب‌وکار} + \text{هزینه کرد دولت} + \text{صادرات خالص}$$

البته سنجش ارزش یک کالا دشوار است. برخی کالاها و خدمات ارزش بیشتری نسبت به دیگر کالاها و خدمات دارند؛ مثلاً یک گوشی هوشمند ارزشمندتر از یک جفت جوراب است. رشد باید بر مبنای ارزش کالاها و خدمات سنجیده شود، نه فقط مقدار آن‌ها. مشکل دیگر این است که همه افراد برای یک کالا یا خدمت ارزش یکسانی قائل نیستند. یک بخاری برای ساکنان مناطق سردسیر ارزشمندتر است، در حالی که یک کولر برای ساکنان مناطق گرم و خشک ارزش بیشتری دارد. برخی افراد استیک را بیش از ماهی دوست دارند و برعکس. یک تقریب رایج، ارزش بازار فعلی است. در آمریکا این ارزش بر حسب دلار آمریکا سنجیده می‌شود و برای محاسبه شاخص‌هایی مانند GDP با هم جمع می‌شود.

مهم

جایگزین‌هایی برای GDP وجود دارد. مثلاً بانک جهانی برای سنجش رشد اقتصادی، طبقه‌بندی کشورها و تعیین شرایط وام‌دهی، از درآمد ناخالص ملی سرانه استفاده می‌کند که شامل درآمد ارسالی شهروندان شاغل در خارج نیز می‌شود.

چگونه رشد اقتصادی ایجاد کنیم؟

رشد اقتصادی به چهار حوزه اصلی وابسته است:

- افزایش کالاهای سرمایه‌ای فیزیکی: افزودن سرمایه به اقتصاد معمولاً بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد. ابزارهای جدید و بهتر به معنای تولید بیشتر در هر واحد زمان است. برای این فرآیند دو شرط مهم وجود دارد: ابتدا باید کسی در اقتصاد پس‌انداز کند تا منابع لازم برای ایجاد سرمایه جدید آزاد شود؛ دوم، سرمایه جدید باید از نوع مناسب، در مکان مناسب و در زمان مناسب باشد تا کارگران بتوانند آن را به طور مؤثر به کار گیرند.
- بهبود فناوری: بهبود فناوری به کارگران اجازه می‌دهد با همان میزان سرمایه، تولید بیشتری داشته باشند. مانند رشد سرمایه، نرخ رشد فناوری نیز به نرخ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری وابسته است، زیرا برای تحقیق و توسعه ضروری هستند.

- رشد نیروی کار: افزایش نیروی کار، به شرط ثابت بودن سایر عوامل، منجر به تولید بیشتر کالا و خدمات می‌شود. اما باید نیروی کار جدید به اندازه کافی مولد باشد تا بیش از مصرف خود تولید کند و به درستی در مشاغل مناسب و با سرمایه مکمل مناسب به کار گرفته شود.
- افزایش سرمایه انسانی: به معنای ماهرتر شدن کارگران از طریق آموزش، تجربه یا تمرین بیشتر است. سرمایه انسانی همچنین می‌تواند به سرمایه اجتماعی و نهادی اشاره داشته باشد، مانند اعتماد اجتماعی بالاتر یا نوآوری‌های سیاسی و اقتصادی که بهره‌وری اقتصاد را افزایش می‌دهد.

چرا رشد اقتصادی اهمیت دارد؟

به ساده‌ترین بیان، رشد اقتصادی به معنای در دسترس بودن بیشتر برای افراد بیشتر است و به همین دلیل دولت‌ها تلاش می‌کنند آن را ایجاد کنند. اما فقط پول، کالا و خدمات مطرح نیست؛ سیاست نیز وارد معادله می‌شود. نحوه استفاده از رشد اقتصادی برای پیشبرد اجتماعی اهمیت دارد. طبق تحقیقات مؤسسه جهانی تحقیقات اقتصادی دانشگاه سازمان ملل، «بیشتر کشورهایی که در کاهش فقر و افزایش دسترسی به کالاهای عمومی موفق بوده‌اند، این پیشرفت را بر پایه رشد اقتصادی قوی بنا نهاده‌اند.» با این حال، اگر منافع فقط به گروهی خاص برسد، این رشد پایدار نخواهد بود.

تأثیر مالیات بر رشد اقتصادی

مالیات‌ها حداقل در کوتاه‌مدت از طریق تأثیر بر تقاضا بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند. کاهش مالیات با افزایش درآمد قابل تصرف شخصی و تشویق کسب‌وکارها به استخدام و سرمایه‌گذاری، تقاضا را افزایش می‌دهد. اما اندازه اثر به قدرت اقتصاد بستگی دارد؛ اگر اقتصاد نزدیک ظرفیت کامل باشد، اثر کوچک‌تر است و اگر بسیار پایین‌تر از ظرفیت باشد، اثر چشمگیرتر خواهد بود. دفتر بودجه کنگره (CBO) تخمین می‌زند که اثر در حالت دوم سه برابر حالت اول است. این دفتر همچنین دریافته که افزایش هزینه‌های دولتی معمولاً در تحریک رشد اقتصادی مؤثرتر از کاهش مالیات است، زیرا بیشتر هزینه‌ها تقاضا را افزایش می‌دهد، در حالی که کاهش مالیات علاوه بر تقاضا، پس‌انداز را نیز افزایش می‌دهد. یکی از راه‌های کاهش این اثر، هدف‌گذاری کاهش مالیات برای خانوارهای کم‌درآمد و متوسط است که کمتر احتمال دارد پول را پس‌انداز کنند.

کلیدواژه‌های دیگر رشد اقتصادی

واژه‌ها و اصطلاحات دیگری برای رشد اقتصادی وجود دارد، مانند «رونق»، «رفاه»، «توسعه اقتصادی»، «صعود اقتصادی»، «شکوفایی اقتصادی»، «توسعه صنعتی» و به زبان انگلیسی ("boom," "prosperity," "economic development," "economic upswing," "economic upsurge," "industrial development," and "buoyancy of the economy").



جمع بندی

کسب و کارها در املاک و مستغلات، تأسیسات، رایانه‌ها و تجهیزات سرمایه‌گذاری می‌کنند. افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای به بهبود رشد اقتصادی کمک می‌کند که با تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه‌گیری می‌شود. رشد اقتصادی عمدتاً توسط هزینه‌کرد مصرف‌کننده و سرمایه‌گذاری سرمایه‌ای هدایت می‌شود.

رشد اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که تولید کالاها و خدمات در یک دوره مشخص نسبت به دوره قبلی افزایش یابد. این رشد معمولاً با تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود و نشان‌دهنده سلامت اقتصادی یک کشور است. اما میزان توزیع عادلانه دستاوردهای رشد، عاملی مهم در پایداری آن و همچنین سلامت و پیشرفت اجتماعی است.



Santa-co.ir



Info@santa-co.ir



۰۲۱-۵۸۱۵۶۱۰۰



خیابان شهید بهشتی، خیابان یکم بخارست،
پلاک ۲۱



صنایع نانوتک آینده